



## تمدن جدید و مسئولیت ما

در درس قبل گزارش کوتاهی از تمدن اسلامی داده شد و با مراجعه به معیارهایی که از قرآن و سیره آموخته بودیم، به ارزیابی این تمدن و کشف علت‌های پیشرفت و افول آن پرداختیم. در این درس، بر تمدن جدید مروری می‌کنیم تا این تمدن را با معیارهای الهی ارزیابی کنیم. با این ارزیابی می‌توانیم به نقاط قوت و ضعف این تمدن بیشتری ببریم و نحوه زندگی در آن را بهتر شناسایی کنیم و مسئولیت خود را در مواجهه با این تمدن بدانیم.

اروپا شاهد سه تمدن بزرگ بوده است: تمدن اول مربوط به قبل از میلاد حضرت مسیح علیه السلام که در قرن‌های ششم تا چهارم قبل از میلاد، در یونان باستان شکل گرفت و در روم باستان ادامه یافت. تمدن دوم، در قرن چهارم میلادی با گسترش مسیحیت در اروپا و آغاز حاکمیت کلیسا بر زندگی سیاسی و اجتماعی مردم، آغاز شد و تا قرن‌های پانزدهم و شانزدهم ادامه یافت. تمدن سوم با افول قدرت کلیسا در همین قرن‌ها شروع شد و همچنان ادامه دارد.

تمدن جدید که تقریباً تمامی جوامع را تحت تأثیر خود قرار داده است و آثار آن در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... به خوبی نمایان است، مانند هر تمدن دیگری، دارای نقاط قوت و ضعف است. آشنا شدن با این نقاط قوت و ضعف از دو جهت برای ما مطلوب است؛ اول آنکه ما مسلمانان مانند سایر ملت‌ها، با این تمدن ارتباط مستقیم داریم، بنابراین، هم تحت تأثیر آن قرار می‌گیریم و هم می‌توانیم بر آن اثر بگذاریم؛ هر قدر آگاهی و هوشیاری ما بیشتر باشد، قدرت تأثیرگذاری ما بیشتر خواهد بود.

دوم آنکه بررسی ضعف‌ها و قوت‌های این تمدن در عرصه‌های مختلف، این کمک را به ما می‌کند که در راستای احیای تمدن اسلامی، از نقاط قوت این تمدن بهره‌مند شویم و با عبرت گرفتن از ضعف‌ها و آسیب‌های آن، بتوانیم برنامه‌ریزی درست و کم‌اشتباهی را برای سامان‌دهی تمدن اسلامی و رسیدن به الگوی زندگی مبتنی بر تعالیم دین داشته باشیم. در ابتدا برای آشنایی هرچه بیشتر با این تمدن لازم است تا با برخی علل و ریشه‌های شکل‌گیری آن آشنا شویم.

## زمینه‌های پیدایش تمدن جدید

۱- کلیسا و تعالیم تحریف شده: تمدن دوم اروپا که به تمدن دوره قرون وسطی مشهور است، با کنار گذاشتن اعتقادات باستانی و بت‌پرستی و روی آوردن به مسیحیت آغاز شد. این تمدن، برای اروپایی که قرن‌ها گرفتار بت‌پرستی بود، یک حرکت رو به جلو محسوب می‌شد. با ظهور این تمدن، مردم بت‌پرست اروپا به یک دین الهی معتقد شدند، بت‌ها و بتخانه‌ها از بین رفت، اتحاد و یکپارچگی در سرزمین اروپا حاکم شد<sup>۱</sup>، بناهای عظیم و باشکوه مذهبی ساخته شد، کتاب‌هایی در اخلاق، معنویت و فرهنگ نگارش یافت و آثار هنری بزرگی پدید آمد.

اما از سوی دیگر، مبلغان مسیحی که تشکیلات تبلیغی پیچیده و وسیعی را جهت تبلیغ اعتقادات مسیحیت تأسیس کرده بودند، اعتقادات نادرستی را که از نظر خودشان، اعتقادات

---

۱- در قرن چهارم میلادی، دین مسیحیت، دین رسمی امپراتوری روم شد که تقریباً سراسر اروپا را در اختیار داشت و این مسئله کمک بسیاری به اتحاد اروپاییان کرد.

رسمی مسیحیت بود، تبلیغ می‌کردند. آنان معتقد بودند که آدم در بهشت اولیه مرتکب گناه شده است و این گناه به فرزندان آدم نیز سرایت کرده و هر کسی با گناه اولیه به دنیا می‌آید. بنابراین هر کودکی پس از تولد باید غسل ویژه‌ای داده شود تا از آن گناه پاک گردد. همچنین اعتقاد داشتند مسیح علیه السلام نیز زندگی خود را به‌عنوان تاوان گناهان بشریت، فدا کرد و به دار آویخته شد<sup>۱</sup>.

اعتراف به گناهان در حضور کشیش، آیین دیگری بود که توسط این مبلغین میان مسیحیان رواج یافت. برای این کار اتاق ویژه‌ای در کلیسا ساخته شد که محل توبه‌کردن بود. آنان معتقد بودند که با اعتراف شفاهی گناهکار در برابر کشیش، توبه‌کننده آمرزیده می‌شود و عفو ابدی را به‌دست می‌آورد.<sup>۲</sup> عبادت و رازونیا با خدا نیز به روز معینی در هفته و در محل کلیسا و در حضور کشیشان اختصاص یافت.

این‌گونه آیین‌ها سبب سست‌شدن ارتباط شخصی و پیوسته انسان با خدا، و واسطه قرارگرفتن کشیشان گردید. بسیاری از کشیشان در این دوره شروع به فروختن بهشت کردند و در عوض بخشش گناه، پول‌های کلان به‌دست آوردند.

آیین دیگر، ازدواج مسیحی بود. آنان معتقد بودند که پس از ازدواج، امکان جدایی زن و شوهر نیست و پیوندشان باید ابدی باشد<sup>۳</sup>. زن حق مالکیت ندارد و باید نام خانوادگی وی به نام خانوادگی شوهر تغییر یابد. این تغییر نام، هنوز هم در اروپا رایج است. کشیش‌ها حق ازدواج نداشتند و تا آخر عمر باید مجرد می‌ماندند. آنان ازدواج را امری دنیایی و پست تلقی می‌کردند.

پذیرش عقاید رهبران کلیسا درباره هر موضوعی، حتی موضوعات علمی، ضروری بود و مخالفت با آن کفر تلقی می‌شد. تفکر و تعقل فقط برای فهم و درک تعلیمات رهبران مسیحیت مورد قبول بود. عملاً به عقل و عقلانیت کمتر توجه می‌کردند و معتقد بودند تعقل با ایمان سازگاری ندارد و سبب تزلزل ایمان می‌شود<sup>۴</sup>. از آنجا که رهبران کلیسا نظریات دانشمندان گذشته درباره زمین، خورشید، ستارگان و مانند آن را پذیرفته بودند، مخالفت با آن نظریات را مخالفت با دین مسیح می‌پنداشتند و مانع نشر

---

۱- آیین کاتولیک، جورج برانتل، ص ۱۰۷ (می‌دانیم که قرآن کریم کشته‌شدن حضرت مسیح علیه السلام را مردود می‌شمارد و اعلام می‌فرماید که: او را نکشتند و به دار نیاویختند، بلکه آنان به اشتباه افتادند - سوره نساء، آیه ۱۵۶. این مطلبی است که یکی از حواریون مسیح علیه السلام، یعنی «پرتابا» نیز به آن آگاهی داشت و بسیار کوشید که مانع آن برداشت اشتباه شود. رجوع کنید به مقدمه کتاب انجیل برنابا).

۲- آیین کاتولیک، ص ۱۳۸.

۳- همان، ص ۱۴۳.

۴- عقل و اعتقاد دینی، مایکل پترسون و سایر نویسندگان، ص ۷۰.

نظریات جدید می‌شدند.<sup>۱</sup>

با اینکه بسیاری از کشیشان و روحانیان از پیشگامان تحول بودند، اما سرسختی رهبران اصلی کلیسا در مقابل نظریات جدید، سبب پیدایش این عقیده شد که دین با خردورزی و علم مخالفت است و مانع تعقل، تجربه، قانون و حقوق انسان‌هاست و راه بیرون‌آمدن از این وضع کنار گذاشتن دین و توجه به علم و دانش تجربی است.

با اینکه کلیسا، خود ثروتمندترین مالکان بود، اما مردم را به دوری از دنیا و زهد نسبت به مواهب طبیعی و نعمت‌های الهی تشویق می‌کرد. همین دوگانگی در گفتار و عمل، به تدریج سبب بدبینی نسبت به کلیسا و کشیشان شد.

این آیین‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم ساخته کلیسا به تدریج اروپا را با فقر و فساد در نظام اداری، عقب‌ماندگی و مشکلات دیگر دست به گریبان کرد. برخی از رهبران روشنفکر کلیسا و بسیاری از دانشمندان، به دنبال چاره برآمدن و برای رسیدن به راه حل مناسب، به مطالعه و تحقیق دست زدند.

## ۲- بهره‌گیری از تجربیات سایر تمدن‌ها

حدود قرن هفتم میلادی و در اواسط قرون وسطی، در همسایگی سرزمین اروپا، تمدن اسلامی متولد شد، و در دو سه قرن بعد به مرحله شکوفایی و شادایی رسید و بر محیط‌های پیرامون خود پرتو افکند. این در حالی بود که هنوز تمدن مسیحی قرون وسطی با مشکلاتی که بیان شد، دست به گریبان بود. به همین جهت وقتی اندیشمندان و دلسوزان اروپایی آشنایی اندکی با تمدن مسلمانان پیدا کردند، با شور و شوق فراوان برای تحول در جامعه خود از ثمرات تمدن اسلامی بهره‌برداری نمودند؛ کتاب‌های دانشمندان مسلمان به سرعت ترجمه شد، علاقه به پژوهش و آزمایش و تجربه افزایش یافت، نقادی رهبری کلیسا شروع شد، حقوق و قانون مورد توجه واقع گردید و خردورزی در دستور کار قرار گرفت.

---

۱- وقتی کپرنیک (۱۵۴۳-۱۶۷۳ میلادی)، ستاره‌شناس لهستانی، تصویر جدیدی از منظومه شمسی ارائه نمود و اعلام کرد زمین به دور خورشید می‌چرخد، با مخالفت کلیسا مواجه شد، زیرا کلیسا عقیده بطلمیوس را درباره زمین مرکزی پذیرفته بود و آن را مقدس می‌شمرد. حتی، لوتر (۱۵۴۶-۱۶۸۴ میلادی)، کشیش اصلاح‌طلب آلمانی گفت: «مردم گوش به سخنان ستاره‌شناس تازه کاری داده‌اند که می‌خواهد ثابت کند زمین در گردش است، نه آسمان‌ها یا فلک و خورشید و ماه... این دیوانه قصد دارد به کلی، طرح و اساس نجوم را وارونه سازد.» (تاریخ تمدن، ویل دورانت، چاپ اقبال، ج ۲۰، ص ۳۹۶).

خواندن کتاب کپرنیک بارها توسط هیئت داوران وابسته به کلیسا ممنوع اعلام شد. بعدها نیز که گالیله و کپلر به تأیید همین نظر پرداختند، توسط کلیسا محکوم شدند و برای نجات جان خود از مجازات اعدام مجبور به پس گرفتن نظر خود گردیدند.

مونتگومری وات<sup>۱</sup>، اسلام‌شناس انگلیسی در خصوص تأثیرپذیری تمدن جدید از تمدن اسلامی می‌گوید: «علم و فلسفه اروپا بدون کمک گرفتن از فرهنگ اسلام توسعه نمی‌یافت؛... اسلام نه تنها در تولیدات مادی و اختراعات اروپا شریک است، بلکه اروپا را واداشت تا تصویر جدیدی از خود داشته باشد. اما از آنجا که اروپا در حال حاضر علیه اسلام عکس‌العمل نشان می‌دهد، تأثیر مسلمانان [بر تمدن غرب] را بی‌اهمیت جلوه می‌دهد. وظیفه مهم ما اروپاییان این است که این اشتباه را اصلاح کنیم و به مدیون بودن عمیق خودمان به جهان اسلام اعتراف کنیم.<sup>۲</sup>»

ویل دورانت نیز بسیاری از هنرها و فنون برجسته اروپایی همچون معماری، اسلحه‌سازی، شیشه‌گری و... را مدیون صنعتگران مسلمان می‌داند.<sup>۳</sup>

## آثار و پیامدهای مثبت و منفی تمدن جدید

برای داوری صحیح و منصفانه در خصوص تمدن جدید، ضروری است با برخی آثار این تمدن در حوزه‌های مختلف آشنا شویم:

### الف) در حوزه علم

#### ■ آثار مثبت

۱- **رشد سریع علم:** تولید علم در قرون اخیر، جهشی فوق‌العاده داشته است؛ به طوری که دوران جدید را می‌توان دوران علم نامید. کشف صنعت چاپ، کشف الکتریسیته، ساخت ماشین، ساخت وسایل ارتباطی مانند: تلفن، رادیو، تلویزیون و ماهواره، راه‌اندازی شبکه‌های اینترنت، نظریات و کشفیات جدید در فیزیک، شیمی و سایر علوم تجربی و توانایی استخراج منابع طبیعی مانند نفت، زندگی در جهان امروز را متحول کرده است.

۲- **توانایی بهره‌مندی بیشتر از طبیعت:** علم و تکنولوژی سبب شد که آدمی بتواند در طبیعت تصرف فوق‌العاده کند و تغییراتی را در آن به وجود آورد. نفت را از اعماق زمین بیرون بکشد، معادن را استخراج کند، کوه‌ها را برای ساختن تونل بشکافد، گیاهان را دستکاری ژنتیک کند، با سدهای بزرگ آب‌ها را مهار نماید و قدرت و توانایی خود را به رخ طبیعت بکشد.

۳- **رفاه مادی:** امروزه بسیاری از مردم در ساختمان‌های محکم و بادوام زندگی می‌کنند.

۱- مونتگومری وات Montgomery Watt

۲- تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی، مونتگومری وات، صفحات ۸۱ و ۱۴۳

۳- تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۴، ص ۳۲۲.

آسمان خراش‌های ده‌ها طبقه، شهرهای بزرگ را پُر کرده است. وسایل گرم و سردکننده صنعتی، طبخ غذاهای متنوع با اجاق‌گاز و دستگاه‌های برقی، آب آشامیدنی تصفیه شده، گردشگاه‌ها و ورزشگاه‌های بزرگ، روشنایی برق، امکان ارتباط با نقاط دور دست و مسافرت‌های آسان و سریع از امکاناتی است که زندگی را بسیار راحت‌تر کرده و مواهب طبیعت را در اختیار انسان قرار داده است.

### ■ آثار منفی

۱- تولید انبوه کالا: از زمانی که ماشین‌آلات صنعتی ساخته شد تولید انبوه نیز آغاز گردید. تولید فراوان، گرچه در ابتدا نیازهای طبیعی مردم را رفع می‌کرد، اما در بسیاری از موارد بیش از نیاز طبیعی بازار بود. به همین جهت کارخانه‌داران با استفاده از جاذبه تبلیغات، نیازهای کاذب در مردم به وجود آوردند تا آنان را به تنوع طلبی بکشانند و مصرف‌گرایی را به گونه‌ای سرسام‌آور افزایش دهند تا خودشان به سود بیشتری برسند. جدی‌ترین آسیب این رویه تغییر الگوی زندگی و دل‌مشغولی دائمی مردم به کالاهای متنوع و گوناگونی است که همه روزه وارد بازار می‌گردد و اذهان و افکار را به خود مشغول می‌کند و در نتیجه، انسان را از اساسی‌ترین نیاز خود، یعنی پرورش و تکامل بُعد معنوی و متعالی خویش، غافل می‌سازد.

این نتیجه دیدگاه غالب و حاکم در تمدن جدید است که انسان را صرفاً یک موجود زنده طبیعی مانند دیگر موجودات، ولی پیچیده‌تر، می‌داند که همچون سایر موجودات صرفاً نیازهای مادی و طبیعی دارد. از همین جهت است که از توجه به بُعد معنوی و فطرت الهی در این تمدن خبری نیست.

۲- نابودی طبیعت: افزایش توان علمی بشر و دستیابی وی به ابزارهای نوین، توانایی وی برای بهره‌برداری از منابع طبیعی را به سرعت افزایش داد و به تخریب ساختار طبیعی محیط زیست انجامید، منابع معدنی که نتیجه میلیون‌ها سال فعالیت موجودات بوده، رو به پایان گذاشته، محیط دریاها و اقیانوس‌ها آلوده شده، تعادل ترکیبی گازهای جوی برهم خورده، بسیاری از جنگل‌ها از بین رفته و ده‌ها بحران زیست‌محیطی برای انسان به وجود آمده است. اگر در تمدن اسلامی زمین امانتی الهی در دست انسان بود، در این تمدن زمین منبعی سرشار از ثروت است که بشر هیچ قید و بند و محدودیتی برای استفاده از آن ندارد.

۳- علم زدگی: از حدود قرن هجدهم میلادی به علت پیشرفت‌های گسترده در علم، این احساس پدید آمد که علم تجربی تنها رمز موفقیت و سعادت ملت‌هاست و جامعه‌ای که این راه را بی‌یابد، کلید خوشبختی را به دست آورده است. اما اکنون با گذشت چند قرن و شکست‌های پی‌درپی جوامع غربی در عرصه اخلاق و ظهور بحران‌های اخلاقی در این جوامع، بسیاری دریافته‌اند که علم تجربی نمی‌تواند

پاسخگویی همهٔ نیازهای آنان باشد و نمی‌توان سعادت و خوشبختی را تنها در این علم جست‌وجو کرد. این نیاز انسان غربی به معنویت باعث شد برخی افراد و گروه‌ها با هدف کسب مقام و شهرت، مکاتب و فرقه‌هایی را به نام مکاتب عرفانی و معنوی ایجاد کنند که اگرچه در ظاهر ادعای پاسخ به نیازهای معنوی بشر را دارند اما به دلیل آنکه برآمده از آموزه‌های وحیانی نیستند، نتیجه‌ای جز سردرگمی برای بشر تشنهٔ امروز نداشته‌اند.

## دانش تکمیلی

برای آشنایی با برخی از این مکاتب و فرقه‌ها که امروزه به نام «عرفان‌های نوظهور» شناخته می‌شوند، به سایت گروه درسی قرآن و معارف مراجعه کنید.

## مسئولیت ما

گفتیم آشنایی با آثار مثبت و منفی تمدن جدید، می‌تواند ما را در احیای تمدن اسلامی یاری رساند.

شاید در نگاهی ابتدایی، این هدف بزرگ، یعنی تمدن آرمانی اسلام در مقایسهٔ با توان و امکانات موجود، یک بلندپروازی به نظر برسد و رسیدن به آن اهداف دور از دسترس تلقی شود. اما این یک دریافت سطحی از توانمندی ذاتی انسان و قدرت مردم هوشمند جامعه و جوانان و نوجوانان پاک اندیش و ناشی از عدم آشنایی با آموزه‌های بیدارکننده اسلام می‌باشد. البته می‌دانیم که این مسئولیت بزرگ و حساس، نیازمند برنامه‌ای است که ما را به آن سطح لازم از توانمندی برساند و قدرت لازم برای ایفای نقش در جهان کنونی را به ما ببخشد.

با توجه به اهمیت این اقدام بزرگ، برنامه‌هایی را پیشنهاد می‌کنیم. این برنامه‌ها را بررسی کنید و تا آنجا که در توان دارید، برای عمل کردن به آنها بکوشید.

### ۱- تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری: پیشرفت علمی،

پایه‌های استقلال یک ملت را تقویت می‌کند و مانع تسلط بیگانگان می‌شود. هریک از ما باید بکوشیم با همت بلند و پشتکار فراوان، استعداد خود را به کار بگیریم تا به مرتبه‌ای از قدرت علمی برسیم که توجه دیگر ملت‌ها را به سوی خود جلب کنیم.



مقام معظم رهبری در این باره این گونه تذکر می دهند: «باید علم را که مایه اقتدار ملی است، همه جدی بگیرند و دنبال کنند. کشوری که مردم آن از علم بی بهره باشند، هرگز به حقوق خود دست نخواهد یافت. نمی شود علم را از دیگران گدایی کرد. علم، درون جوش و درون زاست. باید استعدادها را یک ملت به کار افتد تا یک ملت به معنای حقیقی کلمه، عالم بشود»<sup>۱</sup>.

پیشرفت های اخیر دانشمندان جوان کشور ما، در رشته های مختلف علمی، مانند پزشکی و سلول های بنیادی، فناوری نانو و هسته ای، صنایع نفت، پتروشیمی و سدسازی قدم های اولیه ای است که باید با همت بلندتر و عزم قوی تر ادامه یابد و همه عرصه های دانش را بیماید.

**۲- حضور مؤثر و فعال در جامعه جهانی:** جوامع غربی امروزه به دلیل آنکه خوشبختی و سعادت را تنها در علم تجربی و ابزارهای مادی می جستند و در مسیر خود شکست خورده اند، به شدت به دنبال راه و مکتبی هستند که نجات بخش آنان باشد. پیام اسلام، پیامی مطابق با فطرت انسان هاست. هر انسان حقیقت طلب و روشن ضمیری که جوای حقیقت باشد، وقتی دعوت قرآن را به عقلانیت، اندیشه ورزی، عدالت، دوری از ستمگری و ستم پذیری، عفاف و پاکدامنی، معنویت و تقوا می شنود، به طور طبیعی جذب آن می شود. هر حقیقت جویی، وقتی در میان هزاران کتاب، مقاله، فیلم و انواع تبلیغات که علیه پیامبر اکرم کرده اند، به سیمای واقعی ایشان می رسد، در برابر عظمت وی تعظیم می کند و او را به بزرگی روح می ستاید. بنابراین لازم است ما این پیام رهایی بخش را با همان شیوه هایی که رسول خدا به دیگران رساند، در جهان تبلیغ کنیم و به دیگران برسانیم.<sup>۲</sup>

**۳- ترسیم چهره عقلانی و منطقی دین اسلام:** میان یک پیام و روش تبلیغ آن باید تناسب منطقی و معقول برقرار باشد. حق را نمی توان با روش های نادرست به دیگران رساند. دین اسلام یک دین منطقی و استدلالی است و هر آموزه و حکم آن بر اساس حکمت الهی تنظیم شده است. چنین دینی را نمی توان با تعصب های جاهلانه یا با روش های فریبکارانه تبلیغ کرد و نظر مردم را به سمت آن جلب نمود. ما باید از همان روش هایی که خداوند، در قرآن کریم به پیامبر گرامی اش آموزش داده، استفاده کنیم و بهره ببریم.

۱- سخنرانی در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، خردادماه ۱۳۸۵

۲- خداوند درباره روش تبلیغ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «به لطف و رحمت الهی با آنان (مشرکان) نرمی پیشه کردی. و اگر تو درشتخوی سخت دلی بودی، بی شک از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس از آنان درگذرد و برای آنها آموزش بخواه و در کار با آنان مشورت کن و آنگاه که تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن که خداوند اهل توکل را دوست دارد.» (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹).



أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ  
بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ  
وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...<sup>۱</sup>

به راه پروردگارت دعوت کن  
با دانش استوار و اندرز نیکو  
و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است، مجادله نما

سوره نحل، آیه ۱۲۵

با تدبیر در آیه شریفه، روش‌های صحیح دعوت را استخراج کنید:

روش اول:

روش دوم:

روش سوم:

## ب) حوزة عدل و قسط

### ■ آثار مثبت

۱- **توجه به قانون:** پس از گذر از قرون وسطی و شکل‌گیری دوره جدید، توجه گسترده‌ای در کشورهای اروپایی به حقوق، قانون، ساختار حکومت و دولت پدید آمد که عموماً عکس‌العملی در برابر حاکمیت نامطلوب کلیسا در قرون وسطی به حساب می‌آید. آگاهی به قانون و حقوق که ابتدا با ترجمه آثار اسلامی اتفاق افتاد، فوایدی برای تمدن جدید داشت. مردم با حقوق خود در مقابل دولت‌ها و در رابطه با یکدیگر آشنا شدند و به تدوین قوانین حقوقی قانون پرداختند و برای صیانت از آنها سازمان‌هایی تأسیس کردند. حق کارگر، حق کودک، حق تعلیم و تربیت، حق داشتن شغل، حقوق متقابل زن و مرد و حق مردم در مقابل دولت به رسمیت شناخته شد.

۲- **مشارکت مردم در تشکیل حکومت:** حق تعیین سرنوشت و دخالت مردم در امور خود، گام مثبت دیگری بود که در تمدن جدید برداشته شد و باعث شد برخی حکومت‌های استبدادی و موروثی حاکم بر کشورهای اروپایی از صحنه خارج شوند.

### ■ آثار منفی

۱- **ظهور پدیده استعمار:** تولید انبوه کالا و نیاز به بازارهای کشورهای دیگر، احتیاج به منابع طبیعی آن کشورها و نیز روحیه توسعه‌طلبی و فزون‌خواهی حاکمان غربی سبب شد که سرمایه‌داران و قدرتمندان غربی، کشورهای دیگر را، به خصوص در آسیا و آفریقا هدف قرار دهند و به بهانه استعمار

۱- سوره نحل، آیه ۱۲۵

(یعنی آباد کردن)، بسیاری از این کشورها را تصرف کنند و ذخایر باارزش و گران قیمت آنها، از آثار باستانی و کتاب‌های خطی تا جواهرات و منابع طبیعی و معدنی را به کشور خود ببرند و برای آن ملت‌ها فقر و نیازمندی را بر جا گذارند، فرهنگ مستقل ملت‌ها را از بین ببرند و حاکمان وابسته و مزدور خود را بر آنها مسلط سازند و آن کشورها را به صورت بازاری جهت مصرف کالای خود درآورند.

دوره استعمار که دوره غارت علنی ثروت ملت‌ها بود و تا اواخر قرن بیستم ادامه داشت، یکی از سیاه‌ترین دوران‌های زندگی انسان روی کره زمین است. در ابتدای همین دوره میلیون‌ها آفریقایی از این قاره ربوده شدند و به مالکیت اروپاییان و آمریکایی‌ها درآمدند و به عنوان برده در مزرعه‌ها، کارخانه‌ها و معادن به کارهای طاقت‌فرسا وادار شدند.<sup>۱</sup> تمدن جدید نشان داد اگر حقوقی برای کودکان و زنان و مردان متأهل است، منظورش فقط مردان و زنان و کودکانی هستند که از نژاد آنان باشند و گرنه زنان و مردان و کودکان سیاه یا سرخ‌پوست برای آنان هیچ اهمیتی ندارد. این خون نژاد اروپایی است که رنگین است اما خون بی‌گناهان قتل‌عام شده در کشورهای مختلف دنیا هیچ ارزشی برای آنان ندارد. با بیداری ملت‌ها، مبارزه با استعمارگران نیز از اواخر قرن نوزدهم آغاز شد و نهضت‌های ضد استعماری به تدریج سراسر آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین را فراگرفت.<sup>۲</sup>

دولت‌های غربی که شرایط را این‌گونه دیدند، از استعمار علنی کشورها دست برداشتند و حاکمان و نظامیان خود را خارج کردند. اما شیوه دیگری برای تسلط بر این کشورها در پیش گرفتند که «استعمار نو» نام گرفت. در این شیوه جدید، با استفاده از قدرت نظامی، جاسوسی، تبلیغاتی و فرهنگی، افراد وابسته به خود را در کشورها به قدرت می‌رسانند و به صورت‌های گوناگون از آنها حمایت می‌کنند. آن افراد وابسته نیز اهداف سیاسی و اقتصادی آن قدرت‌ها را به اجرا درمی‌آورند. این نوع از استعمار هم‌اکنون در بسیاری از کشورها ادامه دارد.

برخی محققان بر این باورند ثروتی که در دوره استعمار از کشورهای استعمار زده به کشورهای استعمارگر منتقل شد، آن قدر زیاد بود که پایه‌های اصلی قدرت اقتصادی اروپاییان را به وجود آورد.

**۲- افزایش فاصله میان انسان‌های فقیر و غنی در جهان: شکل‌گیری نظام‌های سیاسی جدید، بر پایه قدرت سرمایه‌داران و نفع‌طلبی فزاینده آنان بود. صاحبان سرمایه و صنعت، منابع طبیعی اکثر**

۱- نویسنده سیاه‌پوست آمریکایی معاصر، آلکسی هیل، در رمان معروف خود به نام «ریشه‌ها»، تاریخچه و نحوه زندگی بردگان در آمریکا را به خوبی حکایت کرده است.

۲- این مبارزات، که گاه چندین دهه به طول می‌انجامید، قربانیان زیادی داشت؛ مثلاً کشور الجزایر که تمام جمعیت آن به هجده میلیون نفر می‌رسید، برای بیرون راندن فرانسه از کشور خود، یک میلیون نفر قربانی داد.

نقاط جهان را به بهایی بسیار اندک خریدند و یا با قدرت نظامی خود تاراج کردند، و کالاهای خود را با قیمت‌هایی بسیار سنگین به مردم همان سرزمین‌ها فروختند. بدین ترتیب، بخش کوچکی از جهان، روزبه‌روز غنی‌تر شد و بخش اعظم جهان در فقر و تنگدستی فرورفت.

**۳- جهان نظامی شده و محصور در تسلیحات:** امروزه، مردم جهان محصور در سلاح‌هایی هستند که می‌تواند چندین بار تمام امکانات موجود روی کره زمین را نابود کند. هم‌اینک که شما در حال مطالعه این صفحه‌اید، ناوهای جنگی در اغلب نقاط حساس دنیا حضور دارند و آماده جنگ افروزی‌اند. کلاهک‌های هسته‌ای بیشتر مجتمع‌های انسانی را نشانه‌گیری کرده است. انبارهای اسلحه، انباشته از پیچیده‌ترین سلاح‌های کشتار جمعی است. سلاح‌های شیمیایی و میکروبی که به کمک دانش جدید ساخته شده، در مدت اندکی قادر است تمام جنبندگان ریز و درشت روی زمین را از بین ببرد.

### مسئولیت ما

**۱- مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ جهاد و شهادت و صبر:** یکی از رسالت‌های اصلی انبیا، مبارزه با ظلم و برقراری عدل و گسترش حق و حقیقت بوده است. هر چند که بسیاری از مردم با شنیدن سخن حق دلشان نرم می‌شود و به حقیقت و عدالت می‌گرایند. اما باید هوشیار باشیم که همواره گروهی از اهل باطل هستند که نه تنها زیر بار حق و حقیقت نمی‌روند، بلکه سد راه حق‌جویی و حق‌پرستی می‌شوند زیرا گسترش عدالت، منافع آنها را بر هم می‌زند. این گروه‌ها تا همه را تابع خود نکنند و یوغ اسارت بر گردن دیگران نیفکنند، آرام نمی‌گیرند.

امام خمینی علیه السلام می‌فرمایند:

«نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین، آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم [دشمنان] هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند<sup>۱</sup>. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و آمریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی‌مان را لکه‌دار نمایند.»<sup>۲</sup>

۱- سوره بقره، آیه ۲۱۷.

۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۷

بدین ترتیب، اگر واقع بینانه نگاه کنیم، درمی یابیم که دعوت به حق و عدالت را نباید منحصر به صحبت و شعار کرد، بلکه برای تحقق سخن حق باید برنامه ریزی کرد قیام نمود و شرایطی فراهم کرد تا موانع حق و حق پرستی در جامعه خود و جهان زوده شود و این میسر نمی شود مگر با تلاش و پشتکار، جهاد و آمادگی برای شهادت در راه خدا، که همان راه حق و حقیقت است و تحمل همه سختی های این راه.

۲- **استحکام بخشیدن به نظام اسلامی:** استحکام و اقتدار نظام حکومتی یک کشور مهم ترین عامل برای حضور کارآمد در میان افکار عمومی جهان است. یک کشور ضعیف، به طور طبیعی منزوی می شود و همراه و همدلی در دنیا نمی یابد. استحکام پایه های اقتصادی و تلاش برای کاهش فقر، توسعه عدالت در همه ابعاد، تقویت اتحاد ملی، انسجام اسلامی و مشارکت عمومی و عمل به وظیفه مقدس امر به معروف و نهی از منکر، از مهم ترین عوامل استحکام نظام اسلامی است.

### ج) حوزه خانواده

#### ■ آثار منفی

تمدن جدید با نگاه مادی به انسان به ویژه در حوزه روابط زن و مرد بیشترین آسیب ها را به نهاد خانواده وارد کرده است برخی از آنها عبارتند از:

۱- **فروپاشی نهاد خانواده:** در غرب قدیم، مانند همه سرزمین های دیگر، علاوه بر خانواده هسته ای که مرکب از پدر، مادر و فرزندان است، خانواده گسترده که شامل اقوام و خویشان می شد، نمود فراوان داشت. اما در خلال دو نسل گذشته نه تنها خانواده گسترده متلاشی شد، خانواده هسته ای نیز، به تدریج از هم گسیخته گردید. امروزه بیش از ۵۰ درصد همه ازدواج هایی که در مراکز شهری بزرگ آمریکا و بخش اعظم اروپا صورت می گیرد، به طلاق می انجامد. بر این پدیده ها باید این واقعیت را نیز افزود که امروزه شمار فزاینده ای از کودکان در غرب، در خانواده ها یا خانه هایی بزرگ می شوند که پدر یا مادر در آن حاضر نیست و آن یکی هم که حاضر است، چون نمی تواند یک تنه وظیفه پدر و مادر را توأمان ایفا کند، غالباً از زیر بار مسئولیتی که پدرها و مادرها در خانواده های اصیل برای انتقال دادن ارزش های اخلاقی به جوانان برعهده داشته اند، شانه خالی می کند و لذا بسیاری از جوانان ناچارند به تدریج خودشان زندگی شان را شکل دهند. همین امر باعث شده که فقط در کشور انگلیس ۹ میلیون نفر تنها زندگی کنند به گونه ای که دولت این کشور ناچار شده وزارت خانه ای به نام وزارت تنهایی ایجاد کند.<sup>۱</sup>

۱- کاردین، ۲۳ ژانویه ۲۰۱۸.

۲- **بی‌بند و باری جنسی:** امروزه بی‌بندوباری جنسی آن‌چنان در غرب رواج یافته است که بسیاری از مردم به این نتیجه رسیده‌اند که توان اصلاح و مبارزه با آن را ندارند<sup>۱</sup>. به‌ناچار در پی آن برآمده‌اند که ضوابط و معیارهای اخلاقی را تغییر دهند؛ به عنوان مثال، در میان غربیان جدید، دیگر هیچ‌گونه ضابطه و معیار مذهبی یا اخلاقی که منشأ الهی داشته باشد، معنا ندارد. تصویب قوانین حمایت از خانواده‌های تک‌سرپرست (که بیشتر شامل خانواده‌ای می‌شود که زن در روابط نامشروع صاحب فرزند شده) در سال ۱۹۶۰ در آمریکا، موجب شد که آمار فرزندان بدون پدر از چهار درصد در این سال به ۲۰ درصد در سال ۱۹۹۰ و به حدود ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۵ برسد<sup>۲</sup>.

۳- **استفاده/بزاری/از زنان:** استفاده ابزاری از زنان برای تبلیغ کالاهای سرمایه‌داران، تشویق آنان به پوشیدن لباس‌های نامناسب و تحریک‌کننده، عادی شدن روابط نامشروع میان زنان و مردان در برخی کشورها، و تجارت گسترده زنان به عنوان کالای جنسی، روی دیگر تمدن جدید است. اگر لایه ظاهری و سطحی موقعیت زن در دنیای امروز، که بسیار زیبا و خوش‌منظر آراسته شده، کنار رود و باطن آن آشکار گردد، خواهیم دید که سودآوری تجارت فحشا، در حال ربودن گوی سبقت از تجارت مواد مخدر و اسلحه است، زیرا مخاطرات آن دو را ندارد. سود این تجارت، سالانه ۵۲ میلیارد دلار است<sup>۳</sup>.

کافی است نگاهی به فیلم‌های سینمایی و رمان‌ها و تصویرهای تبلیغاتی آنها بیندازیم تا دریابیم که محور اصلی بخش عمده‌ای از آنها استفاده جنسی از زنان به منظور لذت‌های مادی است. اگر بعد معنوی و الهی انسان دارای اهمیت و جایگاهی در تمدن جدید بود، و اگر به زنان آن‌گونه که دین اسلام بها می‌دهد، بها و شخصیت داده می‌شد، حتماً وضع دیگری در تولید فیلم‌ها، رمان‌ها، و تصاویر تبلیغاتی حاکم می‌شد. در هیچ دوره‌ای غفلت از خداوند و نیز غفلت از نیازهای معنوی و متعالی انسان به شدت امروز مشاهده نشده و توجه به نیازها و خواسته‌های مادی نیز به گستردگی امروز نبوده است. نتیجه این غفلت بزرگ آسیب‌ها و بیماری‌های خطرناکی است که امروزه بسیار عادی جلوه می‌کند.

## مسئولیت ما

**تلاش در جهت تحکیم بنیان خانواده:** خانواده کانون رشد فضیلت‌ها و پاکی‌ها و محل تربیت

۱- در سراسیبهی به سوی گومورا، پروفیسور رابرت. اچ. بورک، ترجمه الهه هاشمی حائری، انتشارات حکمت.

۲- نشریه سیاحت غرب، مرکز پژوهش‌های اسلامی سازمان صدا و سیما، شماره ۷.

۳- مؤسسه تحقیقاتی ریپ‌ایز (به نقل از نشریه سیاحت غرب، شماره ۶).

نسل‌های خلاق، توانمند و با همت است. تحکیم این بنیان سبب رشد فضائل اخلاقی در جامعه، کاهش فساد و جرم و حضور انسان‌های با فضیلت و کارآمد می‌گردد و اگر بنیان خانواده سست شود، فساد و تباهی گسترش می‌یابد و نسل‌هایی که از قوت و قدرت روحی کافی برخوردار نیستند، مسئولیت‌های اجتماعی را برعهده می‌گیرند.

وقتی حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل علیهم‌السلام پایه‌های خانه کعبه را بالا بردند و بنای یک جامعه توحیدی را گذاشتند، نه تنها برای خود دعا کردند، بلکه از خداوند خواستند ذریه و نوادگانی به آنان عطا کند که ادامه‌دهنده راه توحید و اسلام باشند<sup>۱</sup>. چنین ذریه‌ای فقط در خانواده‌هایی که خود اهل یکتاپرستی باشند و مودت و رحمت میان آنان برقرار باشد، امکان‌پذیر است<sup>۲</sup>.

### اندیشه و تحقیق

۱- متن زیر را بخوانید و به سؤال‌های پایانی آن پاسخ دهید :

پس از دوره طولانی موسیقی کلاسیک که بیشتر به مسائل اجتماعی، فلسفی و دینی می‌پرداخت، امروزه، غرب با یک موسیقی بسیار عامیانه و مبتذل مواجه است که بیان احوال نفسانی نسل جدید است. این موسیقی در چند دهه اخیر با ریتم‌های شدیداً آفسارگسیخته و اجراهای فوق‌العاده پرسروصدا ظهور کرده است و غرایز حیوانی را در آدمی برمی‌انگیزد. حداقل سخنی که می‌شود درباره این نوع موسیقی‌ها گفت این است که این موسیقی‌ها نه از تسلیم در مقابل خداوند مایه گرفته، نه به سلامت و آرامش نفس کمک می‌کند، نه مانند برخی موسیقی‌های انقلابی قرن نوزده و بیست در خدمت تلاش و مبارزه و اصلاح نظام اجتماعی است و نه اجراکنندگان و ستارگان این موسیقی‌ها اسوه‌های معنوی و عفت اخلاقی هستند. تنها فایده آن تخریب روح و روان کسانی است که به دامن آنها پناه برده‌اند!

اما متفکران دلسوز و دردمند غربی تصریح کرده‌اند که این رفتارهای هیجان‌انگیز برخاسته از پیامدهای تمدن جدید است که نابسامانی فکری، پوچ‌گرایی و بی‌تکیه‌گاهی را برای بسیاری از جوانان به ارمغان آورده است. این رفتارها نشان‌دهنده تناقضات، انواع بی‌عدالتی‌ها، نژادپرستی‌ها، تخریب محیط‌زیست، بی‌محتوایی زندگی ماشینی و بی‌معنایی آن، غفلت از خداوند و خلاصه محرومیت جامعه غربی از یک تفکر عمیق و درست عقلی نسبت به هستی، انسان و خداست. همین از دست رفتن معنای زندگی برای بسیاری از جوان‌های غربی است که آنها را به بیراهه لذت‌های آنی جسمانی از طریق روابط جنسی یا

۱- سوره بقره، آیه ۱۲۸ (رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ آرِنَا مَنَاسِكَنَا وَ تَبَّ عَلَيْنَا إِنْكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ).

۲- سوره روم، آیه ۲۱.

استفاده از مواد مخدر و قرص‌های روان‌گردان و یا گاهی خشونت و جنایت کشانده<sup>۱</sup> یا برخی دیگر را به جست‌وجوی فلسفه‌ها و فرهنگ‌ها و حتی «ادیان جدید» واداشته است.<sup>۲</sup>

اکنون که متن بالا را مطالعه کرده‌اید، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

- ۱- هنر امروز که خود را در عرصه سینما، تئاتر، موسیقی، مجسمه‌سازی، مدهای لباس و آرایش، رمان، داستان و شعر نشان می‌دهد، بیشتر دربردارنده چه پیام‌هایی است؟
- ۲- آیا این هنر انسان را متوجه خدا، معنویت، ارزش‌های بزرگ، فضائل اخلاقی، تحکیم بنیان خانواده، عفاف و پاکدامنی می‌کند یا بیشتر به وادی خشونت، شهوت‌پرستی و هوس‌رانی، مصرف‌گرایی و دنیادوستی، قدرت‌طلبی و سستی روابط خانوادگی وارد می‌سازد؟



---

۱- شهوت و خشونت، دو صفت بسیار ناپسند است که همواره پیشوایان ما، مسلمانان را از آنها بر حذر داشته‌اند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «به کسی که جانم در دست اوست سوگند که انسان دشمنی به بدی شهوت و خشونت ندارد» (مجموعه ورام، مسعود بن عیسی ورام، ج ۲، ص ۱۱۵). امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «در میان انگیزه‌های شهوت و خشونت، عقل نابود می‌شود.» (مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۱۱، ص ۲۱۱).

۲- از ابتدای «بیشتر بدانیم» تا اینجا، اقتباس از کتاب «جوان مسلمان و دنیای متجدد» تألیف دکتر سیدحسین نصر می‌باشد که سال‌های متمادی در آمریکا و اروپا زندگی کرده و با پیامدهای تمدن جدید از نزدیک آشناست.